

گلادیاتورهای معروف تاریخ

۱۸ فروردین ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۵۰

گلادیاتورها افرادی بودند که با حکومت مخالفت می کردند و بر علیه ظلم و جور حاکمان ظالم می جنگیدند و یا برده هایی بودند که در جنگهای مختلف اسیر می شدند و وقتی دستگیر می شدند بازچه دست حاکمان می شدند و با آنان مانند حیوان رفتار می نمودند. گلادیاتورها را همچون برده ها در بازارها خرید و فروش می کردند. شاید در میان برده ها یک فرد سرشناس و اشرافزاده نیز بود.

گلادیاتورها افرادی بودند که با حکومت مخالفت می کردند و بر علیه ظلم و جور حاکمان ظالم می جنگیدند و یا برده هایی بودند که در جنگهای مختلف اسیر می شدند و وقتی دستگیر می شدند بازچه دست حاکمان می شدند و با آنان مانند حیوان رفتار می نمودند. گلادیاتورها را همچون برده ها در بازارها خرید و فروش می کردند. شاید در میان برده ها یک فرد سرشناس و اشرافزاده نیز بود.

کومودیوس، خونخوارترین گلادیاتور تاریخ

گلادیاتور معروف یک برده نبود بلکه او خودش امپراتور بود، کومودیوس! کومودیوس یکی از خونخوارترین گلادیاتورهایی بود که بر صحنه کلزیوم روم ظاهر شد؛ کسی که بی رحمانه گلادیاتورهای تیمهای رقیب و حتی هم تیمیهای خود را از لب تیغ می گذراند و هرگز از این همه کشتار بی رحمانه احساس پشیمانی نکرد.

او معتقد بود انسان در جهانی زندگی می کند که تنها راه برای رسیدن به موفقیت و خوشبختی در آن از بین بردن تمام موانع است؛ مهم نیست به چه قیمتی! در واقع می توان گفت کومودیوس تجسم واقعی شعار معروف گلادیاتورهاست که «بکش یا بمیر!» او بین سالهای ۱۹۲-۱۷۷ بعد از میلاد مسیح زندگی کرد و طبق نوشتههای مختلف عصر باستان، وی در هزار مبارزه پیروز شده و یکی از رکوردداران جنگهای گلادیاتوری محسوب می شود.

یکی دیگر از ویژگیهای این امپراتور سنگدل بیزاری از سیاست بازی است؛ چنان که وی در زمانی که بر مسند امور قرار داشت، تمام احکام خود را در اعلامیههای مختلف به وضوح به اطلاع عموم می رساند و هیچ وقت منازعات سیاسی کاخ را مخفی نگه نمی داشت! او معتقد بود سیاسی کاری و پنهان کاری متعلق به انسانهای ترسوست و یک شاه مقتدر باید بتواند احکام خود را به هر قیمتی که شده اجرا کند و مخالفان را بی رحمانه سرکوب!

فلاما یکی از مرموزترین گلادیاتورهای تاریخ است. فلاما یک برنده ذاتی بود که همیشه در مبارزه تنها به پیروزی فکر می‌کرد و برای رسیدن به این هدف از هیچ کاری فروگذار نبود. نکته مرموز زندگی او اینجاست که فلاما چهار بار برنده جایزه رودیس شد! یعنی همان جایزه ای که او با آن می‌توانست آزادی خود را تضمین کند اما همیشه گلادیاتور بودن را انتخاب می‌کرد و حاضر نبود مثل یک انسان آزاد و معمولی زندگی کند. فلاما با سایر گلادیاتورهای جنگاور متفاوت بود: هرگز قبل از شروع جنگ کری خوانی نمی‌کرد و با صدای بلند تشویق تماشاگران را جلب نمی‌کرد. پس از پیروزی در جنگ هم به ابراز احساسات مردم پاسخ نمی‌داد و بعد از تعظیم در برابر امپراتور صحنه را ترک می‌کرد.

هم تیمی‌های فلاما هم همیشه از کم حرفی و گوشه‌گیری وی سخن می‌گفتند؛ چنان که هرگز پیروزی‌های بزرگش را جشن نگرفت. گویی این مرد تنها برای جنگیدن به دنیا آمده بود و بس! جالب است بدانید جمله معروف «من برای آدمکشی به دنیا آمده‌ام!» به وی نسبت داده شده است؛ جمله ای که امروزه به زبان عبری بر لباس سربازان رژیم اشغالگر قدس نقش بسته است! آرامگاه این گلادیاتور مرموز در سیسیل ایتالیاست که روی سنگ قبر باستانی آن نوشته شده: «فلاما-گلادیاتور اهل سوریه- ۳۰ سال زندگی کرد... ۳۴ بار جنگید... ۲۱ بار پیروز از میدان خارج شد و نه مبارزه بی نتیجه داشت... چهار بار شکست خورد.» این سنگ قبر توسط دلیکاتوس-همرمز باوفای فلاما-ساخته شده و بر مزار وی قرار گرفته است؛ هرچند در مورد نوشته‌های آن تردیدهای زیادی وجود دارد!

پریسکوس و وروس، مثل دو برادر

گلادیاتورهای رومی همیشه تنها بودند و فقط در مبارزات گروهی از هم تیمی‌های قدرتمند و فرمانبردار استفاده می‌کردند. اما در این میان یک استثنا وجود دارد؛ پریسکوس و وروس مثل دو برادر در تمام نبردها دوشادوش هم جنگیدند. پریسکوس یک برده به دنیا آمده بود اما وروس آزاد بود تا زمانی که در یکی از جنگ‌ها به اسارت ارتش روم درآمد. این دو جنگجوی نامی در ارتش گلادیاتورهای سلطنت با هم آشنا شدند.

هرگز در تاریخ روم باستان مشاهده نشده دو گلادیاتور تا این اندازه هماهنگ باشند و تمام پیروزی‌های جنگی خود را مشترکاً کسب کرده باشند. پریسکوس متخصص تاکتیک‌های نظامی بود و همیشه بهترین طرح‌ها برای شکست تیم رقیب را او آماده می‌کرد. وروس هم یک گلادیاتور تنومند بود که هرگز در مبارزه با گلادیاتورهای قدرتمند شکست نمی‌خورد. این دو پس از سال‌ها مبارزه و کسب موفقیت‌های بی‌شمار با هم صحنه کلزیوم را ترک کردند.

امپراتور روم به پاس سال‌ها مبارزه شجاعانه، آنها را قهرمان خطاب کرد و شمشیر چوبی رودیس را در اختیارشان گذاشت تا بین آزادی و گلادیاتور ماندن یکی را انتخاب کنند. پریسکوس و وروس هم در کنار هم صحنه مبارزه را ترک کردند تا وارد میدان زندگی واقعی شوند؛ این بار بدون جنگ و خونریزی! جنگاوری‌های پریسکوس و وروس جنبه هنری نیز پیدا کرده بود؛ در مبارزات روز اول جشن آمفی‌تئاتر فلاویان در سال ۸۰ بعد از میلاد، این دو همرمز مجبور بودند در مقابل هم قرار بگیرند. مبارزه نهایی! این مبارزه نفسگیر به یکی از مبارزات به یادماندنی تاریخ گلادیاتورها تبدیل شد؛ چنان که شعر حماسی ویژه ای در بخش اشعار حماسی مارتیال در وصف این مبارزه سروده شد و در حال حاضر این شعر تنها بازمانده از ثبت وقایع مبارزات گلادیاتوری به نظم

است! نتیجه این مبارزه طولانی هم بسیار عجیب بود؛ امپراتور تیتوس هردوی این گلاادیاتورها را برنده اعلام کرد و جایزه (آزادی) در اختیار هر دو قرار گرفت. در حالی که قبل و بعد از تیتوس هیچ امپراتوری حکم به پیروزی هر دو طرف مبارزه صادر نکرد.

کریکسوس

این گلاادیاتور جنگاور یکی از دوستان باوفای اسپارتاکوس بود و در جنگ سوم برده‌ها، با دولت روم، فرماندهی ارتش گلاادیاتورها را برعهده داشت. نام او در زبان گالی به معنی موفرفری است. ارتش کریکسوس در مبارزات اولیه توانست بر رومیان پیروز شود اما با حملات گسترده ارتش امپراتور به نقاط ضعف ارتش برده‌ها، کریکسوس و افرادش مجبور شدند عقب نشینی کنند. شرایط خاص آن دوران باعث شد کریکسوس تا مدت‌ها دور از اسپارتاکوس باشد و به اجبار در جنوب ایتالیا سگر بگیرد. در سال ۷۲ قبل از میلاد، بخشی از ارتش امپراتور به رهبری لوشس گلیوس پابلیکولا به مواضع کریکسوس حمله کرد و با وجود رشادت‌های بسیار این فرمانده، ارتش برده‌ها به خاطر خیانت چند عنصر فاسد، شکست خورد. پس از جنگ و گریزهای سریالی بالاخره کریکسوس به دست رومیان کشته شد و تمام ارتش ۳۰ هزار نفری او که قدرت و شهرت فراوانی داشت از بین رفت. اسپارتاکوس بعد از اطلاع از مرگ هم‌رزم وفادارش مسابقات ویژه ای برای یادبود وی برپا کرد که در آن ۳۰۰ سرباز رومی (اسیر جنگی) مجبور بودند مثل گلاادیاتورها به جان همدیگر بیفتند تا زنده بمانند! در واقع اسپارتاکوس می‌خواست طعم زندگی و جنگ گلاادیاتوری را به سربازان رومی بچشانند!

اسپارتاکوس، شماره ۱ گلاادیاتورها

شاید بتوان گفت معروف‌ترین گلاادیاتور جهان اسپارتاکوس است که شهرت خود را مدیون کتاب‌ها، انیمیشن‌ها، سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی ای است که با الهام از زندگی پرماجریش ساخته شده‌اند. هرچند خود اسپارتاکوس آن قدر زنده نماند که این شهرت جهانی را به چشم ببیند!

این برده رومی که بین سال‌های ۱۰۹-۷۱ قبل از میلاد مسیح زندگی می‌کرد، در جنگ روم باتریس(سرزمینی کهن در حوزه کشورهای یونان، ترکیه و بلغارستان کنونی) اسیر شد و به صف گلاادیاتورهای امپراتور روم اضافه شد. اما اسپارتاکوس با تمام برده‌های دیگر فرق داشت: شم ذاتی رهبری و مدیریت اسپارتاکوس به علاوه شهامت مثال زدنی اش باعث شد این گلاادیاتورها جنگجو به سرعت به رهبر شورشیان زندان‌های روم تبدیل شود و سلطنت روم را با مشکلات بزرگی که به وجود آورد به چالش بکشد.

مالک اسپارتاکوس، لانیستا لنتولوس باتیاتوس نام داشت که صاحب بزرگ‌ترین ارتش گلاادیاتورهای آن زمان بود: لودوس! اسپارتاکوس دوستان باوفای خود کریکسوس و اونومائوس را در این ارتش پیدا کرد. معمولاً جنبه بیدادستیزی و شجاعت این سردار بزرگ مورد توجه نویسندگان و حتی سیاستمداران و عوام قرار می‌گیرد، در صورتی که در زمینه فنون جنگی و تاکتیک‌های نظامی هم وی یکی از بهترین گلاادیاتورهای زمان خود بود.

به عنوان مثال بیشتر تاکتیک‌های نظامی‌ای که در جنگ علیه رومی‌ها مورد استفاده ارتش برده‌ها قرار گرفت توسط خود

اسپارتاکوس طراحی شده بود. به علاوه امپراتور روم هم از طغیان و شورش اسپارتاکوس علیه سلطنتش گیج شده بود؛ چون اسپارتاکوس قبل از فرار یکی از بهترین گلاادیاتورهای ارتش روم بود که همیشه توجه امپراتور و همراهانش را به خود جلب می‌کرد. دلیل این توجه زیاد هم آشنایی وی به فنون نظامی و شکست دادن گلاادیاتورهای مختلف بود.

اونومائوس

یک گلاادیاتور جنگجوی دیگر از گال که به همراه اسپارتاکوس و کریکسوس از ارتش باتیاتوس فرار کرد تا ارتشی مهیا کند برای جنگ با سلطنت روم! او هم یکی از فرماندهان ارشد ارتش برده‌ها بود که جنگاوری‌ها و شجاعت‌های فراوانی از خود نشان داد اما در همان جنگ‌های اولیه با ارتش روم کشته شد.

نام اونومائوس به عنوان معمار اولین پیروزی ارتش برده‌ها در تاریخ ثبت شده؛ به کمک درایت و شجاعت اونومائوس و همراهانش، ارتش برده‌ها توانست منطقه حساس جنگی مانت وسویوس را به تسخیر خود درآورد و اولین پیروزی بر ارتش روم را رقم بزند!

مرگ زودهنگام این جنگجوی بی نظیر یکی از دلایل شکست نهایی ارتش برده‌ها بود. در واقع این حربه تاکتیکی رومی‌ها بود تا این سه فرمانده و سربازانشان از یکدیگر جدا شوند. اگر جدایی اسپارتاکوس از کریکسوس و اونومائوس محقق نمی‌شد، شاید مسیر تاریخ به کلی تغییر می‌کرد!

هادریانوس، امپراتور محبوب

پابلیوس ایلویوس هادریانوس یکی از گلاادیاتورهای بنام روم بود که در نهایت به مقام امپراتوری روم رسید (۱۳۸-۱۱۷ بعد از میلاد). جالب است بدانید او یکی از بهترین امپراتوری‌های روم باستان بوده؛ چنان که نامش در میان پنج امپراتور محبوب دوران روم باستان آمده و دلیل این محبوبیت نه جنگاوری و خونخواری در میدان جنگ، بلکه تلاش‌های فراوان هادریان در ساخت بناهای تاریخی و رسیدگی به امور رفاهی مردم روم بوده است.

او یکی از امپراتورهای مهربان روم بود که برخلاف دوران کوتاه جنگاوری اش به عنوان گلاادیاتور همیشه دوست داشت صلح و امنیت در جامعه برقرار باشد. معبد ونوس در دوران حکومت او در رم ساخته شد. هادریانوس تنها امپراتور روم بود که به تمام ایالت‌های امپراتوری بزرگ روم سرکشی می‌کرد و همیشه با فقرا و نیازمندان مهربان و بخشنده بود.

در نوشته‌های باستانی اطلاعات زیادی در مورد کارهای نیک وی در دوران حکومتش وجود دارد؛ چنان که مردم روم پس از تراجان (امپراتوری که قبل از هادریان بر روم حکومت می‌کرد و بسیار ظالم و خونخوار بود) او را فرشته ای می‌دانستند که از آسمان برای نجات آنها فرود آمده است!

مارکوس آتیلیوس

از دیگر گلابیاتورهاى معروف مى‌توان به مارکوس آتیلیوس اشاره کرد که پس از ورشکستگى، خود را به جای بدهى اش به ارتش گلابیاتورها فروخت و در آنجا به یک گلابیاتور حرفه‌ای تبدیل شد که برای به دست آوردن پول و طلا حاضر بود هر مبارزه‌ای را قبول کند.

مارکوس در یک مبارزه تاریخی، هیلاریوس، گلابیاتور ویژه امپراتور نرون را شکست داد. در حالی که هیلاریوس قبل از آن ۱۳ مبارزه متوالی را با پیروزی پشت سر گذاشته بود. دیگر حریف قدر وی ریسویس فلیکس نام داشت که پس از ۱۲ برد متوالی در مقابل مارکوس شکست خورد و جان خود را از دست داد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۵۲۵۶/گلابیاتورها-معروف-گلابیاتورها>